

آیا پنجشیری ها و البانیایی ها همتبارند ؟

پیش از همه باید به جهل و روشنی بگویم که هدف ازین نوشته به هیچ صورت تبار گرایی و یا تبار ستیزی نمیباشد . هم چنان در روشنی علم اتنولوژی در عصر حاضر تبار خالصی در روی زمین وجود ندارد چه به برکت انکشافات علمی و تکنا لژی که تماس و نزدیکی بالا تر از تصور را در بین انسان ها به میان آورده است که حاصل آن ازدواج های بیرون تباری و بیرون گروهی میباشد . هم چنان آگاهی انسان ها از اضرار ازدواج های میان خانوادگی و میان تباری ، مرز های تباری ، قومی و ملی را نور دیده است که حاصل آن همانا فرزندان چند تباری میباشد . لذا درین نوشته کوشش شده است تا بالای تاریخ گروهی از مردمان کشور ، روشنی انداخته شود .

تاریخ دانان دنیا و کشور خود ما ، منجمله علامه عبدالحی حبیبی ، علامه احمد علی کهزادو دیگران هنگام بررسی تاریخ یونان باستان عصر سکندر پسر فلیپ مقدونی ، بار بار نوشته اند که چون اردوی یونانی سکندر آنقدر زیاد نبود که بتواند ضرورت های آن فاتح بزرگ را پوره کند . لذا

نامبرده از میان مردمان کشور های دور و پیش که آنها را نیز منقاد خود ساخته بود ، اردو هایی تشکیل نموده و زیر امر و قومانده ی قوماندانان یونانی برای فتح سرزمین های خاور و باختر میفرستاد . چنانچه به گمان مورخین مردمان سر زمین نورستان واقع خاور کشور ما بقایای اردوی یونانی سکندر کبیر هستند

همچنان در جلد نخست ((تاریخ مختصر جهان))نوشته ی نجکینا ، اسکزگین ، گویر ، مانفرد و دیگران - پخش کرده ی سال ۱۳۶۳ خورشیدی کمیته ی دولتی انتشارات - ج ، ۱ - روی ۸۹ آمده است : ((سکندر در سال ۳۳۴ پیش از میلاد اردو کشتی معروف خود به شرق را آغاز کرد . سپاه او چندان بزرگ نبود ، زیرا فقط از سی هزار سر باز پیاده ، پنج هزار سواره و ناوگانی مرکب از ۱۵۰ یا ۱۶۰ کشتی جنگی تشکیل میشد ...)) .

این به خوبی روشن میسازد که آن نا بغه ی نظامی صفوف اردوی جهان گشایش را با استخدام ملت های همجوار یونان و مقدونیه پوره میکرد . و این خود میتواند مهر تاییدی بر گفته ی بالا باشد .

با در نظر داشت همین گفته ی تاریخ دانان به گمان و پندار من پنجشیری ها نیز که همانندیهای ظاهری فراوانی با مردمان آلبانیا و کاسو دارند(من از چندین سال بدینسو درین گستره مصروف کاوش و پژوهش هستم ، چندی پیش یک دسته از مردمان کاسو سالگرد آزادی سرزمین شانرا جشن گرفته و در میدان بزرگ شهر محل بود و باش ما گرد هم آمده بودند . با نزدیک شدن به محل مذکور ، گمان کردم که در میان گروهی از هم میهنان پنجشیری ام ، قرار دارم .) . روی همین دلایل شاید آنها نیز از بقایای دسته ی دیگر اردوی سکندر باشند که نسبت دلایل و عواملی نتوانسته باشند که دوباره به اروپا باز گشت نمایند و یا اینکه کشور و سر زمین فعلی یعنی دره ی پنجشیر ، مورد پسند شان قرار گرفته و در همین جا ساکن شده باشند . من از پژوهنده گان و کاوشگران درخواست میکنم تا به هدف روشن شدن گوشه ی از تاریخ کشور ما و تاریخ مردمان ساکن سر زمین افغانستان ، در این راستا دست به کاوش و پژوهش بزنند ، تا باشد که همه گوشه های تاریخ کشور ما همانند سایر سرزمین های دنیا روشن و شفاف شود .

به همه گان روشن است که در درازنای تاریخ میهن به غیر از چند آدم ارجمند و محدود (کمتر از شمار انگلستان یکدست) که دست به پژوهش های ژرف علمی در گستره ی نوشتن تاریخ میهن زده اند ، دیگران نوشته های نویسنده گان بیرونی به ویژه بریتانیایی را نشخوار کرده اند ، که سوگمندانه اغلب آن نوشته ها خالی از جانبداری کین توزانه نبوده و نمیباشد ، ازینرو این فراخوان یعنی پژوهش ژرف و همه جانبه تاریخ میهن و مردمان ساکن آن میتواند تکانه ی سود مندی درین راستا باشد .

به امید کار های سازنده درین گستره

